

وقتی اضطرار به نهایت رسید؛ طلوع آغاز می‌شود

شماره پرسش: ۱۵۱۲۴

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰ ۰۱:۴۲:۴۹

متن پرسش

سلام علیکم: بیماران جسمی دو گونه اند یه دسته در شرایطی هستند که طبیب دستوراتی می دهد و بیمار با انجام آنها روند بهبود را طی می کند و دسته دوم بیماران در حال بیهوشی و کما هستند که طبیب بدون توضیح و مساعده بیمار به تنهایی اقدامات لازم را در راستای بهبود انجام می دهد من بیمار دسته دوم می باشم که قدرتی برای انجام هیچ کاری ندارم جز طلب نجات، من هلاک شدنم را احساس می کنم و نمی خواهم تسلیم این نابودی بشم و توانم هم تمام شده حتی استغفار عادی برایم سخت است احساس می کنم من برای شقاوت خلق شدم و هر راهی برای رسیدن به سعادت به بن بست ختم می شود امید و اعتمادم به روایات و کلمات منقول از ائمه را از دست دادم هر چه می توانستم برای تغییر این وضعیت کردم تا جایی که ضعف کردم و از هوش رفتم از فرط خستگی و درد مصیبتی بالاتر از مصائب وارده بر همه خوبان بالاتر اینه که آدم تنها امید و تکیه گاهش رو از دست بده، وضعیت قریب جنون و ناامیدی کامل پیدا کردم پیش از بریده شدن این مو اگر می توانید کمک کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هیچ کاری نمی‌خواهد بکنید. تنها در این شرایط است که حقیقت طلوع خواهد کرد. همیشه وقتی اضطرار به نهایت رسید؛ طلوع آغاز می‌شود. موفق باشید